

بررسی آبنام جغرافیایی «گراب» و تحلیل پراکنش مکانی آن در ایران (با مطالعه موردی بر روی چشمه تراورتنی گراب، شمالشرق استان خراسان رضوی)

محمدرضا منصوری دانشور

دانش آموخته کارشناسی ارشد ژئومورفولوژی در برنامه ریزی محیطی، گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد
دانشجوی دکترای اقلیم شناسی در برنامه ریزی محیطی، گروه جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، دانشگاه سیستان و بلوچستان
Email: mrm_daneshvar2012@yahoo.com, Tel: 09151042067

چکیده:

چشمه های تراورتن ساز به علت در برداشتن پاره های مواد معدنی، از نامگذاری خاصی در سرزمین ایران برخوردار شده اند. چشمه گراب یکی از این چشمه های تراورتن ساز با آبنامی ویژه است. طبق یافته های تحقیق، آبنام «گراب» میکروهیدرونیمی طبیعی، با فرم دو جزئی که دارای ساخت زبانی «صفت+اسم» و بافتی متشکل از اصطلاح شناسی هیدروجغرافیایی است. نتایج مطالعات میدانی نشان داد که از نظر فرهنگی این آبنام، مضمونی از آب درمانی برای رفع بیماری گری (کچلی) دارد و از نظر طبیعی هم استعاره ای از یک منطقه ناهموار است. همچنین با مراجعه به منابع جغرافیایی و گزارش های رسمی در بررسی پراکنش مکانی این آبنام، به دست آمد که این واژه و مشتقات آن در سرزمین ایران، به طور عرفی منعکس کننده مضمون آب شفا بخش و رفع کننده بیماری و به طور منطقی نشانگر وجود چشمه های آب معدنی گوگرددار و یا آهکی است در جایی که اغلب منطبق بر چشمه های تراورتن ساز می باشند.

کلید واژگان: آبنام ها و جاینام ها، پراکنش مکانی، چشمه های معدنی، تراورتن، گراب

۱- مقدمه:

آب ها و چشمه ها از کهن ترین روزگاران مورد ستایش مردمان بوده و گاه نیز وسیله تقرب به خدایان شمرده می شده اند. در ایران باستان نگهبانی از رودها و چشمه ها و افزایش آب آنها برعهده آناهیتا (الهه آب) بوده است. در سنت دین زرتشت احترام به آب و ویژه پاکیزه نگاهداشتن چشمه ها وظیفه ای وجدانی به شمار می رفت و آلوده ساختن آب و افکندن چیزهای ناپاک در چشمه ها گناه تلقی می شده است. در فرهنگ اسلامی هم آب چشمه ها به عنوان مهمترین پاک کننده ها همچنان مورد احترام بوده است. از منظر علمی، چشمه ها شکل طبیعی برگشت آب از لایه های زیرزمینی به سطح زمین می باشند. به ویژه اگر این لایه های زیرزمینی از واحدهای سنگی قابل نفوذی مانند سنگ های آهک کارستی باشند و سطح پیژومتریک آنها نیز به اندازه کافی بالا باشد، این امکان پیدا می شود که منابع آب به طرف بالا جریان یافته و در قالب چشمه ها به سطح زمین برسند [۴]. از نظر مکانی چشمه ها معمولاً در جاهایی تشکیل می شوند که بریدگی هایی نظیر گسل ها یا دایک ها موانع هیدروژئولوژیکی ایجاد نموده اند و سبب شده اند که آب زیرزمینی به طرف بالا منحرف شود و یا در جاهایی که گسل ها بخش هایی از لایه های آبدار را تحت فشار قرار داده اند. در سرزمین ایران، گسل های سراسری دامنه کوه های البرز و زاگرس، در ایجاد چشمه ها

و منابع آب نقش به سزایی داشته اند. لذا بسیاری از آبادی ها در این مناطق به علت داشتن این گونه چشمه ها برخوردار از جاینام (Toponym) و آبنام (Hydronym) شده اند. نام های جغرافیایی از قبیل جاینام ها و آبنام ها از قدیم ترین روزگاران در فرهنگ شفاهی مردم جایگاه ویژه ای داشته و به ویژه با پیدایش خط و تمدن، جنبه ای مکتوب نیز پیدا کرده است. این اسامی جغرافیایی به دلیل آمیختگی با فرهنگ شفاهی و مکتوب عموماً جنبه ای تغییرناپذیر پیدا کرده اند به طوری که اگر چه با گذشت زمان دچار تحول شده و شفافیت معنایی خود را از دست داده اند، اما هرگز بدون معنا نیستند [۶۴]. لذا تغییر یا تبدیل آنها با هر دلیل اجتماعی، سیاسی و اعتقادی (نظیر تغییر نام ها در مناطق مرزی) اقدامی پسندیده نخواهد بود زیرا با دانستن نام یک پدیده، احساسی لذت بخش و غیرقابل توجیه در انسان پیدا شده و برای انسان ارزش و اعتبار روانی ایجاد می شود [۶۴]. اهمیت اثربخشی نام های جغرافیایی در حدی است که با روی کار آمدن هر نوع رژیم سیاسی، تلاش گسترده ای برای محو نموده های رژیم سیاسی قبلی همراه با تغییر نام یا نام گذاری جدید بر مبنای گفتمان معتبر و حاکم صورت می گیرد [۶۴]. در دنیای امروز اهمیت و عملکرد ویژه نام های جغرافیایی علاوه بر شناخت مکانی و زمانی پدیده های جغرافیایی، آنچنان از جایگاه اثربخشی در فضای اقتصادی برخوردار شده است که بسیاری از محققین و مدیران به این نتیجه رسیده اند، با ارزش ترین دارایی اقتصادی، آگاهی از دانش برندسازی و نام و نشان تجاری است [۶۴]. علاوه بر مطالبی که گفته شد هر جاینام یا آبنامی یک واژه است و بنابراین مقوله ای زبانی است. زبان شناسان، جاینام ها و آبنام ها را علاوه بر حیطه نام شناسی، مستلزم بررسی از دیدگاه جغرافیا، تاریخ و زبان شناسی نیز می دانند [۶۴]. چرا که از نظر فلسفه زبان شناسی، یک نام جغرافیایی دلالت بر ارجاع مکانی و زمانی ویژه ای دارد که منشأ اصلی توصیفات از یک پدیده را در ذهن جامعه کاربران زبانی مشخصی روشن می سازد [۶۴]، و بایستی با برگشت به ریشه های زبانی آن مورد تفسیر قرار گیرد. برگشت به ریشه های زبانی نام ها، باعث کشف معنی آنها شده و بخش مهمی از کار پژوهش درباره جاینام ها و آبنام ها را تشکیل می دهد. حتی برخی معتقدند که ریشه شناسی نام های جغرافیایی مانند باستان شناسی است چرا که شواهد، گاه نسبی بوده و یا اصلاً موجود نیستند [۶۴]. بنابراین این نوع نگاه به ریشه شناسی به نام های جغرافیایی عموماً در مورد ترکیبات و مشتقات واژگان سودمند است ولی هنگامی که به بررسی واژگان بسیط می پردازیم که از سایر ریشه های موجود در زبان ساخته نشده اند باید بررسی تاریخی تحول یک واژه، در طول زمان مورد توجه قرار گیرد [۶۴]. در ایران به موازات کمیته های یکسان سازی و نام گذاری اسامی جغرافیایی سازمان ملل متحد، در سال ۱۳۷۹ به سرپرستی سازمان نقشه برداری کشور، کمیته تخصصی نام نگاری و یکسان سازی نام های جغرافیایی ایران با تصویب هیأت دولت تشکیل گردید که هدف این کمیته سامان بخشیدن به نام های جغرافیایی کشور و استانداردسازی آنها ذکر شده است. از این رهگذر تا کنون کارهای شایسته ای نیز در زمینه ارزیابی و تحلیل جاینام ها و آبنام ها به انجام رسیده است که از جمله آنها می توان به مجلدات «دائرةالمعارف نام های جغرافیایی»، کتاب «مبانی توپونیمی و نگاهی به توپونیم های ایران» و کتاب «هیدرونیم های ایران؛ پژوهشی در آبنام های ایران» اشاره کرد. رفاهی علمداری در کتاب اخیر به تفکیک و طبقه بندی نام های جغرافیایی پرداخته است و اسامی جغرافیایی را در سه گروه متمایز دسته بندی کرده است که شامل اسامی نقاط مسکونی یا جاینام ها (Oykonym)، اسامی کوه ها، دشت ها و ناهمواری ها (Oronym) و اسامی منابع آبی یا آبنام ها (Hydronym) می باشند. وی در این بین آبنام ها را مجموع اسامی کلیه منابع آبی اعم از زیرزمینی و روی زمینی می داند که از دیرباز در دو دسته منابع آب طبیعی مانند دریاها، رودخانه ها، چشمه ها و برکه ها و منابع آبی مصنوع از قبیل دریاچه های سدی، کانال ها و قنات ها دسته بندی شده و بر اساس شکل ظاهری نیز در دو دسته آبنام های بزرگ

(ماکروهیدرونیم) و آبنام های کوچک (میکروهیدرونیم) طبقه بندی شده اند [۶۴]. تحقیق حاضر در محدوده مطالعاتی چشمه تراورتن ساز گراب در ۵۰ کیلومتری جنوب شرق مشهد و با هدف کلی بررسی این آبنام، ریشه زبانی و بسامد پراکنش زبانی- مکانی آن در گستره سرزمینی ایران، تلاش می کند تا ضمن نشان دادن اهمیت و جذابیت تحقیق و تفحص پیرامون ابعاد زبان شناسی پدیده های جغرافیایی و ژئومورفولوژیک، ضرورت باززنده سازی این گونه اسامی و عدم حذف یا قلب آنها و مشتقات برگرفته از آنها در فرآیند یکسان سازی نام های جغرافیایی را یادآوری کند. بسامد پراکنش زبانی- مکانی یک آبنام یا جاینام با پراکندگی اقوام و ساکنان فلات ایران در ارتباط است و جمع آوری نام های مشابه در نقاط مختلف کشور و بررسی تاریخی آنها در این مورد نکات جالب توجهی را آشکار خواهد کرد [۶۴].

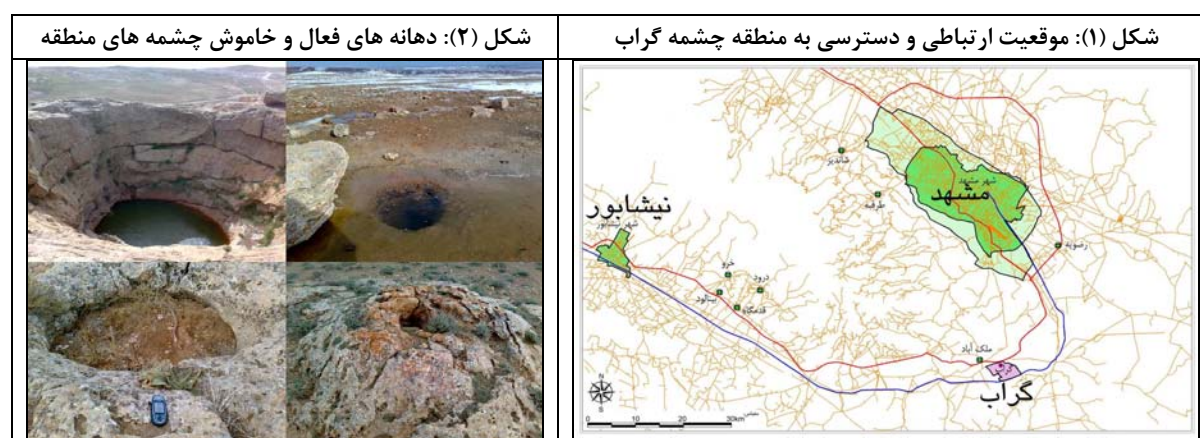
۲- روش تحقیق:

روش تحقیق حاضر را می توان در دو سطح مطالعات میدانی و تحلیل کتابخانه ای خلاصه کرد. ابتدا در برداشت های میدانی، ضمن نمونه برداری از آب چشمه، جهت ارزیابی هیدروشیمی آب، به ثبت نام آواها و دیدگاه های مردم ساکن در سکونتگاه های پیرامونی چشمه گراب اقدام شد. طبق روش شناسی موجود در این زمینه، پژوهشگر باید ابتدا با مراجعه به محل و با استفاده از گویشوران بومی، صورت محلی جاینام ها را آوانویسی نموده و ریشه شناسی های موجود را که ممکن است ریشه شناسی عامیانه هم باشد، ثبت کند [۶۴]. در این راستا برای تحقیق حاضر از تکنیک مصاحبه جهت دار در جامعه آماری که منتخبی از مسئولان محلی، شهرداری و شورای شهر ملک آباد در ۴ کیلومتری شمال منطقه و اهالی روستاهای باغچه و هادی آباد به ترتیب در یک کیلومتری و سه کیلومتری غرب این منطقه را شامل می شد، استفاده گردید. پس از تنظیم داده های میدانی به تحلیل آماری آبنام «گراب» در سطح ایران اقدام شد. طبق روش شناسی موجود در این مرحله بایستی به استخراج، گردآوری و ثبت جاینام ها با مراجعه به منابع جغرافیایی و گزارش های رسمی نیز پرداخته شود [۶۴]، لذا مقرر شد که در گام اول به بررسی آبنام های مشابه در میان چشمه ها اقدام شود چرا که فرض بر این قرار گرفت سایر منابع آبی نظیر رودخانه ها و برکه ها عمدتاً تحت تأثیر جاینام های پیرامونی آنها قرار دارند. برای این منظور از کتاب «چشمه های معدنی ایران» نوشته جنیدی [۷۴]، کتاب «زمین شناسی ایران؛ آب های معدنی و گرم ایران» نوشته شاه بیگ [۱۶۴] و کتاب «شناخت آب معدنی و چشمه های معدنی ایران» نوشته غفوری [۱۸۴] به همراه تحقیق همزمان اینترنتی استفاده گردید در گام بعدی ارزیابی جاینام های مشابه با استناد به داده های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ [۲۱۴] صورت پذیرفت که در آن به بررسی تمامی روستاها و آبادی های کشور پرداخته شده است.

۳- محدوده مطالعاتی:

چشمه گراب در ۵۰ کیلومتری جنوب شرق شهر مشهد واقع شده است (شکل (۱)). و بر اساس نقشه زمین شناسی برگه فریمان [۱۳۴] شامل یک محدوده گسترده تراورتنی شده متشکل از چشمه های متعدد است در فواصل ۱۰۰ تا ۵۰۰ متری از یکدیگر شکل گرفته اند که اغلب دارای دهانه های مخروطی و مرتفع تر از سطح زمین می باشند. منطقه زاینده چشمه های گراب در طول زمان، رسوبات و سپرهای تراورتنی در تیپ های شکلی مختلف و نهشته های متورق عموماً کربناته به همراه املاح آهن دار را بر جای گذاشته است و امروزه برخی از این چشمه ها فعال و برخی خاموش اند (شکل (۲) و (۳)). این چشمه با استناد به نقشه پایه توپوگرافی برگه فرهادگرد [۱۵۴]، در مختصات جغرافیایی $35^{\circ} 57' 25''$ تا $35^{\circ} 59' 38''$ عرض شمالی و $59^{\circ} 36' 19''$ تا

۵۵' ۴۰" ۵۹° طول شرقی قرار می گیرد. در ضمن پیرامون محدوده چشمه به مساحت ۱۶۳۵ هکتار طبق مصوبه شورایعالی حفاظت محیط زیست کشور به شماره ۳۱۸ و در تاریخ ۱۳۸۹/۰۷/۰۵ به عنوان محدوده اثر طبیعی ملی چشمه گراب ثبت شده است. مظهر اصلی چشمه «گراب» بر روی تپه مخروطی شکلی به ارتفاع متوسط ۲۵-۳۰ متر واقع شده است که مردم محلی به آن چشمه «گراو» یا «گرو» نیز می گویند و معتقدند آب آن برای برخی بیماری های پوستی و مفصلی مفید است. در بررسی های انجام شده بر روی آب این چشمه به دست آمد که آب چشمه بی رنگ و بی بو است. مقداری از کدورت آن نیز به سبب وجود رسوبات آهن دار ته نشین نشده در آن است. چرب بودن نسبی آب نیز به واسطه وجود مواد آلی در آن است. طعم آب هم نسبتاً شور و گزنده و تا حدی گس است. با توجه به این که بافت اغلب سنگ های تراورتنی مشاهده شده به صورت شبکه ای می باشد رسوبگذاری از نوع شیمیایی بوده و با توجه به اینکه این بافت اغلب در درز و شکاف ها دیده می شود آب چشمه از نوع گرمابی است [۲۲۴].



این چشمه در کتاب «شناخت آبمعدنی و چشمه های معدنی ایران» در ردیف آب های کلروره سدیک هیپوترمال و با عنوان چشمه گراب- نیشابور در طی صفحات ۲۱۳-۲۱۱ مورد بحث قرار گرفته و بر احتمال ارتباط هیدروژئولوژیک چشمه با نهشته های دریایی تریاس تأکید شده است [۱۸۴]. و در کتاب «زمین شناسی ایران؛ آب های معدنی و گرم ایران» هم با عنوان چشمه معدنی باغچه و به شماره شناسایی ۲۸۱ با خواص کلوروسدیم سابترمال در صفحه ۱۶۶ مورد بررسی قرار گرفته است [۶۴]. در ادامه مطالعات مورد اخیر، یک نقشه پیوست نیز برای ۳۶۲ چشمه آب های معدنی و گرم ایران در مقیاس ۱:۲۵۰۰۰۰ تهیه شده که چشمه گراب بر طبق این نقشه به کد ۲۸۱ از نوع آبهای جوی و پس مانده و از نوع هیپوترمال ولرم شناسایی شده است [۱۴۴]. در مطالعات نگارنده در طرح مدیریت اثر طبیعی ملی چشمه گراب، خصوصیات فیزیکوشیمیایی آب این چشمه در طول بازه های مختلف زمانی (نزدیک به ۴۰ سال) تاکنون، همچنان حالت کلروره سدیک و کربنات کلسیک خود را حفظ کرده است. در این مدت میزان سیلیس آب کمتر شده که می تواند نشان دهنده گرم شدن آب و رسوب سیلیس باشد ولی سختی آب افزایش داشته که احتمالاً مربوط به افزایش قدرت انحلال آب در انحلال کلسیم می باشد. همچنین وضعیت هیدروفیزیکی و هیدروشیمیایی آب در طول فصول مختلف سال تفاوت چندانی از خود نشان نمی دهد که این امر نیز نشان دهنده منشأ زیرزمینی آب و عدم اثرپذیری مشخص آن از جریان های سطحی و جوی می باشد. در مجموع به نظر می رسد که ظهور چنین آبی با این مشخصات هیدروفیزیکی تنها در مناطقی که از نظر تکتونیکی و فرآیندهای درونی دگرگونی فعال باشند قابل توجیه است [۲۲۴]. این چشمه علاوه بر جذابیت های طبیعی و

ژئومورفولوژیکی یاد شده، برخوردار از آبنام ویژه ای است که از منظر علم توپونیمی و هیدرونیمی قابل بحث و بررسی است.

۴- پیشینه نظری تحقیق:

اهمیت مطالعه بر روی آب چشمه های تراورتن ساز و گوگردی عموماً به علت در بر داشتن پاره ای مواد معدنی با خواص درمانی است که آنها را برخوردار از رنگ، بو یا مزه خاصی کرده و به همین دلیل نامگذاری ویژه ای را برای آنها در سرتاسر سرزمین ایران رقم زده است. به طور عمده چشمه های تراورتن ساز (کربناته) و گوگردی (سولفات) به رنگ شیری بوده و گاه همراه با بوی تخم مرغ فاسد ناشی از تصاعد گاز هیدروژن سولفور می باشند. این نوع از آب ها معمولاً به خاطر دارای ترکیبات آهن دار، دارای رنگ سرخ یا آخراپی و مزه گس می شوند. همچنین وجود نمک هایی مانند کلرور سدیم (نمک طعام) و یدور سدیم، آب آنها را از یک سو شور یا تلخ ساخته و از سویی صفراآور و ملین نموده است. برخی از این آب ها ناشی از چشمه های واقع بر روی خطوط گسل و دارای مشتقات آهکی هستند که برای مثال می توان به چشمه تخت سلیمان (تکاب آذربایجان) و چشمه گرو (گراب) در مسیر نزدیکی مشهد اشاره نمود [۱۲۴]. در ایران این نوع از آب های معدنی که از خود رسوبات آهکی اصطلاحاً تراورتنی به جا می گذارند عمدتاً در امتداد کمربند آتشفشانی ارومیه- دختر یا زون سهند- بزمان که از شمال باختر به جنوب خاور ایران امتداد دارد دیده می شود [۸۴]. از نمونه های جالب چشمه های تراورتن ساز ایران می توان حداقل به چهار مورد اشاره کرد. مورد اول به چشمه های تراورتن ساز منطقه توفارقان (آذرشهر) در آذربایجان مربوط می شود. مورد دوم چشمه های باداب سورت مازندران می باشد که با نهشته های سدی و پلکانی در مقیاسی گسترده چشم انداز بدیعی را به وجود آورده اند به طوری که به عنوان دومین میراث طبیعی ملی کشور پس از کوه دماوند ثبت گردیده است. مورد سوم چشمه تراورتن ساز تخت سلیمان در تکاب آذربایجان است که بزرگترین چشمه تراورتن ساز در ایران به شمار می رود و همراه با آثار باستانی آتشکده مقدس آذرگشنسب اهمیت ویژه ای نیز پیدا کرده است. مورد چهارم محدوده مطالعاتی این تحقیق یعنی چشمه گراب در شمال شرق خراسان می باشد. از ویژگی چشمه های تراورتن ساز رسوبگذاری در طول زمان و ایجاد ناهمواری ها و گاه تپه های مرتفع تراورتنی است از این رو آبنام های مرتبط با چشمه های تراورتنی علاوه بر وجه هیدرونیمی از وجه توپونیمی نیز برخوردار می شوند. محققان پیش از این در بررسی مورفولوژی آبنام های ایران علاوه بر بررسی ساخت زبانی و نحوی این نام ها در خانواده های مختلف زبانی، به بافت این اسامی در همپیوندی با سایر اشکال و فرم های توپونیمی اشاره شده است [۱۱۴]. از این رهگذر بررسی ساخت و بافت زبانی آبنام های ایران نشان می دهد که این گونه از اسامی جغرافیایی جدای از تعلق زبانی به پارسی، ترکی یا عربی که به سه خانواده بزرگ زبانی با ریشه های کاملاً متفاوت هندواروپایی، آلتایی و سامی تعلق دارند، عموماً از سه شکل کلی پیروی می کنند که شامل آبنام های ساده تک جزئی و غیرساده چند جزئی می باشند. بر این اساس به طور اولیه می توان آبنام «گراب» را میکروهیدرونیمی طبیعی، با فرم دو جزئی، ساخت زبانی صفت+ اسم و بافتی متشکل از اصطلاح شناسی هیدروجغرافیایی به شمار آورد.

۵- بحث؛ یافته ها و نتایج:

۵-۱- الگوی نام نگاری آبنام ها:

به طور کلی نامگذاری آبنام های پراکنده در سرزمین ایران عموماً متأثر از چند پدیده ویژه می باشد. برای نمونه برخی از چشمه ها به شکل اساطیری به برخی از انبیا و اولیا نسبت داده شده اند که از این دست می توان به چشمه آبگرم و تراورتن ساز «تخت سلیمان» منتسب به سلیمان نبی در آذربایجان غربی و نیز چشمه آبگرم «خضر زنده» منتسب به خضر نبی در منطقه کرمانشاه اشاره کرد. برخی از چشمه های دیگر آبگرم در ایران به نام امامان و دیگر قدیسین شهرت یافته اند که برای مثال می توان از چشمه «آب علی» در شمال شرق تهران، و «چشمه امام رضا» در روستای دهسرخ در جنوب شرق مشهد نام برد. برخی از آبنام های ایران را بر پایه رنگ آنها نامگذاری کرده اند که می توان به «سیه چشمه» در پارسی و «قره سو» در ترکی اشاره کرد. نامگذاری برخی دیگر از چشمه ها نیز با توجه به خاصیت درمانی و زداينده یک بیماری صورت پذیرفته که برای مثال می توان به عناوین «آب شفا» و «چشمه قولنج» اشاره کرد. رفاهی علمداری ترکیب لغوی آبنام ها را در ۱۵ سطح دسته بندی کرده است [۱۱۴]، که در جدول (۱) به آن اشاره شده است. این فهرست تقریباً تمامی جنبه های نام نگاری آبنام را به طور خلاصه عنوان کرده است با این حال در این فهرست اشاره ای به آبنام های مرتبط با مباحث درمان شناسی (تراپوتیک) و یا مباحث پدیده شناسی (فنولوژیک) نشده است که به نحوی جزء ابتدایی هیدرونیم گراب را در بر گیرد. از سویی به نظر می رسد مباحث فن شناسی (تکنولوژیک) مرتبط با اجزای هیدرونیم ها نیز نادیده انگاشته شده است لذا این موارد نیز در جدول (۱) اضافه شده اند.

جدول (۱): دسته بندی آبنام ها بر اساس ترکیب لغوی آنها

ریشه نام نگاری آب	دسته بندی آبنام	ریشه نام نگاری آب	دسته بندی آبنام
نژاد ها و تیره ها	Ethno-hydronyms	سکونتگاه ها	Oyko-hydronyms
گونه های گیاهان	Phyto-hydronyms	پیکره های آبی	Hydro-hydronyms
جانوران	Zoo-hydronyms	دین و آئین	Theo-hydronyms
اسطوره ها و پهلوانان	Mytho-hydronyms	تشبیه ها	Omo-hydronyms
پدیده های آسمانی	Cosmo-hydronyms	استعاره ها	Granth-hydronyms
مردم، سازندگان و مالکان	Anthropo-hydronyms	مجازها و نمادها	Metaphoric-hydronyms
مناسبت ها و یادواره ها	Memo-hydronyms	درمان بیماری ها	Therapo-hydronyms
تبار خانوادگی	Pathro-hydronyms	پدیده های جغرافیایی	Pheno-hydronyms
ناهمواری ها	Oro-hydronyms	فناوری و شیوه زندگی	Techno-hydronyms

۵-۲- اصطلاح شناسی آبنام گراب:

آبنام «گراب» (gar+âb) واژه ای پارسی است که با فرم دو جزئی و ساخت زبانی صفت+اسم مرکب از دو جزء «گر» و «آب» می باشد. در لغت نامه دهخدا در زیر واژه گر (gar) آمده است: «در استعمال قدما به معنی بیماری مشهوری است که به عربی بدان جرب می گویند. مرضی است که موی ها را بریزاند (کچلی) و بدن خاصه انگشتان خارش کند و مجروح شود» [۹۴]. واژه آب (âb) نیز در غالب موارد به همین معنی متداول در پارسی امروزی است. آبنام گراب با همین ساخت صفت و اسم، در زبان ترکی هم به شکل «قوتورسو» (qotür+sü) کاربرد بسیاری دارد که در آن قوتور به معنای گری (کچلی) و سو به معنای آب می باشد. از جمله این موارد می توان به آب معدنی گوگردی

با همین نام در دامنه های گورگور کوه سبلان در استان اردبیل اشاره کرد که از آب آن جهت رفع التهابات پوستی استفاده می شود. همچنین گراب در معادل انگلیسی (mange water) عموماً اشاره ای است به چشمه ها یا چاه های آب که استعمال آب آنها موجب رفع بیماری گری و التهابات پوستی به ویژه در میان حیوانات اهلی از قبیل بز و گوسفند و یا سگ گله می شود. همچنین در لغت نامه دهخدا در معنی دیگری برای واژه گر (gar) آمده است: «این کلمه از ریشه اوستایی بوده و به معنی کوه است. گئیری در اوستا از برای کوه استعمال شده که در پهلوی گر گویند» [۹۴]. در این میان جالب خواهد بود بدانیم که از دیدگاه طبیعی و با توجه به لندفرم های تپه ماهوری برجا مانده ناشی از فعالیت های چشمه های گوگردی و آهکی، اصطلاح گرآب (gar+āb) ناظر بر ناهمواری هایی است که سیمای دشتگون یک منطقه را به شکلی ناهمواری، ملتهب و جوش زده درآورده است [۱۲۴]. نکته جالب توجه دیگر درباره معادل ترکی «قوتور» می باشد که در معنای دوم خود به مفهوم ناهموار می باشد [۲۳۴]. از سوی دیگر در برخی جاینام ها و آبنام های مشابه گراب، جزء واژه شناختی «گر» (gar) به معنی نوعی ماده معدنی و احتمالاً گوگرد می باشد. البته جدای از مشتقات «گراب» در بررسی جغرافیایی آب های حاوی ترکیبات گوگرد در ایران، شاهد کاربرد اسامی دیگری با جزء واژه شناختی «گند» (gand) نظیر «گنداب»، «گنداو»، «گندو» و «گنو» نیز هستیم. حال در ادامه صورت های دیگر تلفظ آبنام گراب را مورد تحلیل قرار می دهیم. در حالتی که تلفظ این آبنام را شکلی از «گرآب» (gor+āb) و یا «گورآب» (gür+āb) به شمار آوریم چنانکه برخی افراد بومی نیز چنین تلفظ کرده اند، دو فرض جدید در مورد وجه تسمیه آن محتمل است. اول مربوط به آبنام «گرآب» (gor+āb) می باشد که استعاره ای از فوران و تداوم جریان آب بوده و در اسم «گرگر» نیز به چشم می خورد. دوم مربوط به صورتی از آبنام «گورآب» (gür+āb) می باشد که دو معنا از آن مستفاد می شود. یکی به معنی جایی که آب از نظر پنهان می شود و در اصطلاح دفن می شود و دیگری به معنی آبی که حیات و زندگی در آن وجود ندارد که معنی اخیر به واقعیت هم نزدیک تر است. توجه شود که تبدیل تلفظ گوراب به گرآب در نظام واکه شناسی پارسی هم محتمل است. مثلاً واژه شوراب تبدیل به شراب (شراب پنیر) شده است. از دیگر تبدیلات احتمالی می توان به تبدیل واژه گرماب (garm+āb) به گرآب اشاره کرد که معمولاً در گویش های محلی لری و کردی در غرب کشور شایع است. اصطلاح «گرماب» معمولاً در گویش های ایران غربی به خصوص کردی و لری «گرماو»، یا «گرمو» مشابه «گراو» یا «گرو» نامیده می شود. لیکن باید توجه داشت در استان خراسان رضوی به ویژه در محدوده مطالعات موردی به دلیل وجود حداقل سه آبنام مشخص «گرماب» یکی در ۵۵ کیلومتری جنوب شرق منطقه در شهرستان فریمان به نام شاهان گرماب، یکی در ۱۱۵ کیلومتری غرب منطقه در شهرستان نیشابور به نام گرماب طاغانکوه و دیگری هم در ۱۵۰ کیلومتری جنوب غرب منطقه در شهرستان تربت حیدریه به نام گرماب، می توان گفت که تبدیل واژه گرماب به گراب نسبتاً امری بعید می نماید. آخرین احتمال مربوط به ریشه شناسی آبنام گراب تحول آن از صورت اگرآب (āgr+āb) می باشد. اگر در پارسی پهلوی به معنی آتش بوده که بعدها به شکل آتر (ātūr/ātar/ātr) و آذر (ādar/ādr) نیز تبدیل شده است. این واژه امروزه به ویژه در گویش های ایران غربی به ویژه کردی گرنج استفاده می شود در این معنا اگرآب یعنی آبی که همراه با آتش است یا آبی که آتش نیز از آن متصاعد می شود. چنین مفهومی البته به چشمه های آب معدنی در دامنه های آتشفشانی و یا آبفشان ها و گازفشان هایی که دارای گاز قابل اشتعال می باشند بسیار نزدیک است اما با توجه به وضعیت محدوده مطالعاتی چشمه گراب احتمال این ریشه واژگانی نیز ضعیف است. بنابراین ریشه شناسی آبنام گراب را به طور منطقی، حداقل می توان در سه قالب فرمی و چهار قالب محتوایی برای محدوده مطالعاتی ثبت کرد. قالب معمول گرآب (gar+āb) به معنی آب درمانی زداینده

گری، قالب گُرآب (gor+āb) به معنی تداوم جریان آب و قالب گورآب (gür+āb) که دارای دو مضمون است. اولاً محلی که آب در آن پنهان می شود و ثانیاً آبی که حیات و زندگی در آن وجود ندارد.

۵-۳- پراکنش مکانی آبنام گراب در ایران:

برای این منظور در گام اول از کتاب ها و اسناد ذکر شده در روش تحقیق به علاوه تحقیق همزمان در منابع اینترنتی استفاده گردید. بر طبق این منابع، ۱۵ چشمه از نام کاملاً مشابه و یا مشتقات متشابه با گراب برخوردارند که به شرح جدول (۲) می باشند. نکته جالب توجه این است که همه این چشمه ها بدون استثنا یا تراورتن ساز (کربنات کلسیم) بوده و یا دارای خواص هیدروشیمی گوگردی (سولفات) نزدیک به تراورتن سازی مثل سولفات کلسیم هستند. بنابراین می توان حدس زد که یک انگاره کلی میان نژادهای ایرانی ساکن فلات ایران نسبت به چشمه های با خصوصیت تراورتن سازی وجود دارد که آنها را منتسب به نام واژه «گر»، وجود گوگرد، التهاب پوستی، ناهمواری و یا چیز دیگری می کنند. با بررسی های انجام شده به نظر می رسد که این نام به طور عرفی منعکس کننده مضمونی شفافبخش و رفع کننده بیماری گری و به طور منطقی نشانگر وجود چشمه های خاص آب معدنی در کشور باشد که غالباً از مواد و ترکیبات گوگرددار و یا آهکی تشکیل شده اند. بررسی پراکنش جغرافیایی آبنام گراب بر مبنای تحلیل اسامی شهرها، روستاها و آبادی ها در سرشماری عمومی نفوس و مسکن [۲۱۴] در ایران نشان داد که نام خاص «گراب» به طور بسیط، شامل نام ۱۸ روستا و آبادی در ۱۰ استان کشور می باشد که بیشترین فراوانی آن در استان خراسان رضوی می باشد (شکل (۴)). تنها شهری هم که به نام گراب در کشور وجود دارد مربوط به شهر کوچک گراب، مرکز بخش طرهان از شهرستان کوهدشت استان لرستان می باشد. این در حالی است که مشتقات این آبنام علاوه بر گراب از قبیل گراو، گراپ، گری، گرو و... مجموعاً شامل ۱۷۵ آبادی است که در ۲۲ استان کشور پراکندگی دارند. بر طبق شکل (۵)، نشان داده شده است که عمده ترین این پراکندگی، اولاً به ترتیب با ۲۱،۷۱ درصد، ۱۵،۴۳ درصد و ۹،۱۴ درصد برای استان های شرقی سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان و ثانیاً با ۸،۵۷ درصد، ۸،۰۰ درصد، ۸،۰۰ درصد و ۶،۲۹ درصد برای استان های غربی فارس، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان ثبت شده است. بنابراین بر مبنای پراکندگی جغرافیایی نام خاص «گراب» و مشتقات آن شاید بتوان استنباط کرد که این آبنام و جاینام وابسته بدان، جزئی از گویش های زیرگروه زبانی ایران شرقی به طور مشخص بلوچی و ذری و سپس زیرگروه زبانی ایران غربی به طور مشخص لری و کُردی باشد.

جدول (۲): چشمه های آب معدنی با آبنام و هیدروشیمی مشابه گراب

چشمه	موقعیت	هیدروشیمی آب	چشمه	موقعیت	هیدروشیمی آب
گراب	مشهد	کلروه سدیک و کربناته کلسیک (تراورتن ساز)	گرخوشاب	خرم آباد	سولفات کلسیک
گرو/ گراو	مهاباد	کربناته کلسیک (تراورتن ساز)	گراب	یاسوج	نامشخص
گراو	تفرش	کربناته کلسیک و کلروه سدیک (تراورتن ساز)	گراب	سمنان	نامشخص
گرو	ایلام	سولفات کلسیک	گراب مجن	شاهرود	سولفات کلسیک
گرگاب	حاجی آباد	سولفات کلسیک	گرو	تبریز	نامشخص
بابا گرگر	همدان	کلروه بیکربناته و سولفات کلسیک (تراورتن ساز)	گراب	بهبهان	کلروه سدیک و سولفات کلسیک
غرغر	کرمان	کلروه سدیک و بیکربناته کلسیک	گراو/ گراب	قزوین	نامشخص



این نتایج نشان می دهند که چگونه یک آبنام و یا جاینام در گستره سرزمینی ایران از ریشه های واحدی برخوردار است. این موضوع آشکار کننده وجود یک وحدت و همسویی عمیق و تاریخی در دیدگاه ها، امیدها و آرزوهای مردم سرزمین ایران است که رویکردی مونوتیپیک (Monotypic) با انگاره های مشترک ذهنی را برای آنها در رویارویی با پدیده های مختلف طبیعی و فرهنگی به وجود آورده است. این داشته ها را بایستی ارج نهاده و به عنوان یک نمود کوچک از وحدت ملی و فرهنگی نژادها و تبارهای ساکن در ایران از خراسان تا خوزستان و لرستان و از آذربایجان و کردستان تا بلوچستان مورد پاسداری قرار داد. از این رو پیشنهاد می شود که از تغییر و یا تحریف این نام های محیطی- طبیعی و تاریخی- فرهنگی پراکنده در کشور به بهانه یکسان سازی و استانداردسازی و دیگر توجیهات اجتماعی، سیاسی و اعتقادی، پرهیز شود و همانگونه که این اسامی در مصوبات هشتمین کنفرانس یکسان سازی نام های جغرافیایی سازمان ملل متحد در برلین آلمان (۲۰۰۲) به عنوان میراث بشریت شناخته شده اند، جای دارد تا این امر همچنان به صورت یک اصل ویژه در فعالیت گروه های کاری کمیته تخصصی نام نگاری و یکسان سازی نام های جغرافیایی به ویژه کارگروه های نام های تاریخی و اصطلاح شناسی مورد توجه بیشتری باشد.

۶- نتیجه گیری:

در این تحقیق آبنام چشمه گراب در شمال شرق استان خراسان رضوی، به عنوان یکی از این چشمه های تراورتن ساز با جذابیت های خاص طبیعی و ژئومورفولوژیکی، از منظر آبنام شناسی و جاینام شناسی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نتایج مطالعات میدانی نشان داد که از نظر فرهنگی این آبنام به طور معمول در فرم گَرآب (gar+āb) آب درمانی برای رفع بیماری گری (کچلی) است و از نظر طبیعی نیز استعاره ای از یک منطقه ناهموار است. بررسی پراکنش مکانی این آبنام بر مبنای نام کاملاً مشابه و یا مشتقات متشابه با «گراب» نیز نشان داد که این آبنام حداقل در ۱۵ مورد از چشمه های پراکنده در سرزمین ایران، به طور عرفی منعکس کننده مضمونی شفافبخش و رفع کننده بیماری و به طور منطقی نشانگر وجود چشمه های خاص آب معدنی در کشور است که غالباً از مواد و ترکیبات گوگرددار و یا آهکی تشکیل شده و منطبق بر چشمه های تراورتن ساز کربناته کلسیک و یا موارد مشابه سولفات کلسیک می باشند. بر این اساس نام خاص «گراب» و مشتقات آن عمدتاً جزئی از گویش های زیرگروه زبانی ایران شرقی به طور مشخص بلوچی و ذری و سپس زیرگروه زبانی ایران غربی به طور مشخص لُری و کُردی است. نتیجه این تحقیق نشان دهنده وجود یک وحدت و همسویی عمیق و تاریخی با رویکردی مونوتیپیک بین مردم

ساکن در سرزمین ایران است به طوری که منجر به شکل گیری انگاره های مشترک ذهنی برای آنها در رویارویی با پدیده های مختلف طبیعی و فرهنگی شده است.

مراجع:

۱. آراتو، الف (۱۳۸۴) *درآمدی بر زبان شناسی تاریخی*، ترجمه یحیی مدرسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چاپ ۲، صص: ۳۴۶
۲. احدیان، م.م (۱۳۸۸) *بررسی ریشه شناختی دو جاینام در استان همدان؛ نهاوند و آدراپانا*، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات پارسی، شماره ۱۵: ۱۷۴-۱۵۹
۳. احدیان، م.م؛ بختیاری، ر (۱۳۸۸) *درآمدی بر جاینام شناسی ایران*، مجله جستارهای ادبی، سال ۴۲، شماره ۲: ۱۹۹-۱۸۱
۴. باوئر، هـ (۱۳۷۴) *هیدرولوژی آبهای زیرزمینی*، ترجمه احمد لطفی صدیق، دانشگاه صنعتی سهند تبریز، چاپ ۱، صص: ۶۰۱
۵. بدیعی، م (۱۳۸۸) *گفتمان نام گذاری خیابان های تهران پس از انقلاب اسلامی*، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۵، شماره ۱: ۱۰۱-۷۲
۶. ترقی، ح (۱۳۸۱) *نقد کتاب مبانی توپونیمی و نگاهی به توپونیم های ایران*، مجله زبانشناسی، سال ۱۷، شماره ۲: ۱۴۵-۱۳۷
۷. جنیدی، م.ج (۱۳۴۸) *چشمه های معدنی ایران*، انتشارات دانشگاه تبریز، تبریز، چاپ ۱
۸. خوش خلق، م (۱۳۸۵) *آثار فرعی آتش فشان ها*، علوم زمین و معدن، سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی، شماره ۶: ۱۷-۱۶
۹. دهخدا، ع.الف (۱۳۹۰) *لغت نامه الکترونیکی دهخدا*، <http://www.loghatnaameh.org>
۱۰. رفاهی علمداری، ف (۱۳۸۰) *مبانی توپونیمی و نگاهی به توپونیمی های ایران*، سازمان نقشه برداری، تهران، چاپ ۱، صص: ۱۹۶
۱۱. رفاهی علمداری، ف (۱۳۸۴) *هیدرونیم های ایران؛ پژوهشی در آب نام های ایران*، سازمان نقشه برداری، تهران، چاپ ۱، صص: ۱۰۴
۱۲. زمریدیان، م.ج (۱۳۸۵) *ژئومورفولوژی ایران؛ جلد ۱: دینامیک های درونی*، دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ ۳، صص: ۲۸۱
۱۳. سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی، نقشه زمین شناسی برگه فریمان، مقیاس ۱:۱۰۰۰۰۰
۱۴. سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی، نقشه آب های معدنی و گرم ایران، مقیاس ۱:۲۵۰۰۰۰۰
۱۵. سازمان نقشه برداری کشور، نقشه توپوگرافی برگه فرهادگرد، مقیاس ۱:۵۰۰۰۰
۱۶. شاه بیگ، الف (۱۳۷۲) *زمین شناسی ایران؛ آب های معدنی و گرم ایران*، سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی، تهران، چاپ ۱، صص: ۲۰۶
۱۷. طیب، م؛ علی نژاد، ب (۱۳۸۲) *بررسی گرایش های جدید نام گذاری در اصفهان از دیدگاه زبان شناسی*، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره ۲، شماره ۳۳-۳۲: ۵۸-۲۳
۱۸. غفوری، م.ر (۱۳۸۲) *شناخت آب معدنی و چشمه های معدنی ایران*، دانشگاه تهران، تهران، چاپ ۲، صص: ۳۸۶
۱۹. کرباسی فر، ع؛ یار دل، س (۱۳۹۰) *ارزیابی ارزش ویژه نام و نشان تجاری و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه مصرف کننده؛ ارائه الگوی تحلیلی*، فصلنامه مدیریت (پژوهشگر)، سال ۸، شماره ۲۱: ۲۹-۱۴
۲۰. کریم زاده، الف (۱۳۸۸) *بررسی انتقادی نظریه علی ارجاع اونز در باب نامهای خاص*، مجله نامه حکمت، سال ۷، شماره ۱: ۱۳۰-۱۰۷
۲۱. مرکز ملی آمار ایران (۱۳۸۵) *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*
۲۲. منصوری دانشور، محمدرضا (۱۳۹۰) *طرح مدیریت اثر طبیعی ملی چشمه گراب؛ جلد ۵: منابع آب و هیدرولوژی*، اداره کل حفاظت محیط زیست استان خراسان رضوی، معاونت محیط طبیعی و تنوع زیستی، صص: ۶۵
۲۳. هادی، الف (۱۳۷۹) *فرهنگ ترکی نوین*، انتشارات احرار، تبریز، چاپ ۱، صص: ۸۳۶

Investigation of “Garab” Geographical Hydronym and Analysis of its Spatial Distribution in Iran (with case study on Travertonic Spring of Garab, Northeast of Khorasan-e-Razavi Province)

Mohammad Reza Mansouri Daneshvar

MSc Graduate at Geomorphology in the Environmental Planning, Department of Geography, Islamic
Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran

PhD Candidate at Climatology in the Environmental Planning, Department of Geography,
University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

Email: mrm_daneshvar2012@yahoo.com, Tel: 09151042067

Abstract:

The travertonic springs in order to having the part of mineral materials attributed to special nomination in territory of Iran. Garab spring is the one of travertonic springs with the particular hydronym. According to research findings Garab hydronym is a natural micro-hydronym with binary form which has the lingual structure of “adjective+ noun” and the texture of hydro-geographical terminology. The results of field observations revealed that this hydronym has content of water therapy against mange disease (baldness) culturally and is a metaphor of rough region naturally. Furthermore by referring to the geographical sources and official reports on the spatial distribution of this hydronym obtained that this word and its derivations temporally reflect the content of healing water and eliminating diseases and logically indicate the presence of sulphuric or calcaric mineral waters where adapted on travertonic springs in general.

Keywords: Hydronyms and Toponyms, Spatial Distribution, Mineral Springs, Travertine, Garab